شهرآرا
روزنامه شهر امید و زندگی
اشنبه
۱۹ بهمن ۱۳۹۹
۲۴جمادی‌الثانی۱۴۴۲
شماره ۳۳۱۹
SHAHRARANEWS.IR

مرگ در پناهگاه زمستانی

درباره پرندگان مهاجری که برای گذراندن زمستان به تالاب میانکاله آمدند اما به جز لاشه‌هایشان چیزی برجا نماند

محبوبه عظیم‌زاده
m.azimzadeh@shahraranews.ir

روایت روز

روزهای ابتدایی بهمن‌ماه بود که خبر تلف‌شدن پرندگان مهاجر در تالاب میانکاله به گوش رسید و هرچه بیشتر گذشت، مرگ‌ومیر تلخ آن‌ها بیشتر شد و خبرش هم رسانه‌ای‌تر. آن‌قدر که تا امروز حجم زیادی عکس و فیلم از این واقعه دردناک در فضای‌مجازی دست‌به‌دست شده است، فلامینگوهای خوش‌قدوبالا و چنگرهای زیبایی که یا دارند روی سطح آب به خودشان می‌پیچند و دست‌وپا می‌زنند یا لاشه‌هایشان روی خاک افتاده است. پرندگان مهاجری که به مازندران، خلیج گرگان و تالاب میانکاله با چشم‌انداز بی‌نظیرش قدم گذاشتند، اما مرگشان به غم‌انگیزترین شکل ممکن رقم خورد، درست مشابه سال گذشته.

پای یک ویروس ناشناخته درمیان است؟

ابتدای کار گمانه‌زنی‌های زیادی درباره علت این ماجرا وجود داشت؛ آنفلوانزای فوق‌حاد پرندگان، یک ویروس ناشناخته، ورود فاضلاب به این تالاب و... همگی جزو عواملی بود که از آن‌ها به‌عنوان مسبب این فاجعه یاد می‌شد. حالا اما، درحالی‌که زمان زیادی از این اتفاق می‌گذرد و براساس اعلام سازمان محیط‌زیست مازندران فقط تا ۱۵بهمن‌ماه مجموع تلفات پرندگان مهاجر جمع‌آوری‌شده به ۸۳۹لاشه رسیده، سازمان دام‌پزشکی اعلام کرده که علت مرگ پرندگان تالاب میانکاله سم بوتولیسم است. به‌دنبال این اتفاق، بهمن نقیبی، معاون بهداشتی و پیشگیری سازمان دام‌پزشکی، از این گفت که اگر اقدام مناسبی انجام نشود، بعید نیست این اتفاق در سال‌های آینده هم تکرار شود: «این سم بسیار کشنده است و جلوگیری از تکرار آن کار بسیار دشواری است، مگر اینکه تالاب میانکاله احیا شود.» نکته‌ای که مدیرکل حفاظت محیط‌زیست گلستان درباره آن گفت: «طرح احیای خلیج گرگان و تالاب میانکاله در ستاد ملی هماهنگی مدیریت تالاب‌ها مصوب و از سوی دکتر جهانگیری، معاون اول رئیس‌جمهور، به دستگاه‌ها ابلاغ شد و متأسفانه هنوز اتفاق عملیاتی در این منطقه صورت نگرفته است. برای این طرح ردیف اعتباری مستقلی دیده نشده است اما سازمان بنادر، محیط‌زیست، جهاد کشاورزی و وزارت نیرو باید از محل منابع خود اعتباری برای این طرح در نظر بگیرند و آن را انجام دهند.»

بوتولیسم آری، بوتولیسم خیر

همه این صحبت‌ها درحالی است که حمیدرضا رضائی، عضو هیئت‌علمی گروه محیط‌زیست دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، در گفت‌وگو با خبرگزاری ایسنا در روزهای گذشته، به این موضوع اشاره کرد که برای ایجاد بوتولیسم باید دمای آب به بیش از ۲۵درجه برسد، درحالی‌که در آن زمانی که تلفات داشتیم، در اندازه‌گیری‌ها، دمای آب در گرم‌ترین ساعت روز و حتی در کمترین عمق به بیش از ۱۵درجه هم نمی‌رسید. او همچنین یکی دیگر از شرایط ایجاد بوتولیسم را سکون آب دانست و دراین‌باره گفت: «یک هفته بعد از حضور ما در منطقه، خلیج طوفانی و متلاطم شد. اگر بیماری بوتولیسم بود، بعد از این طوفان و هوادهی در آب، تلفات باید کم می‌شد، اما این‌گونه نشد و مدت‌ها بعد از آن هم تلفات ادامه پیدا کرد.» این ماجرا واکنش‌های زیادی هم از سوی کاربران فضای‌مجازی به‌ویژه دوستداران محیط‌زیست به‌دنبال داشت. کاربری نوشته بود: «سازمانی که توانایی حفظ محیط‌زیست کشور را ندارد، باید از سازمان‌های جهانی کمک بگیرد. مسئولیت مرگ پرندگان با شماست.» و دیگری از این گفته بود که: «آلودگی پرندگان و محیط‌زیست مقدمه‌ای برای بروز بیماری‌ها در انسان است، بنابراین باید به‌سرعت برای احیای تالاب‌ها اقدام کنیم.» کاربر دیگری با اشاره به آتش‌سوزی‌ای که مدتی پیش در تالاب میانکاله رخ داده بود، از این گله کرده بود که با سوءمدیریت، محیط‌زیست ما دارد هر روز نسبت به روز گذشته وضعیت بدتری پیدا می‌کند: «آتش‌سوزی، شکار و حالا برای چندمین‌بار مرگ دسته‌جمعی پرندگان.» زهرا کشوری، خبرنگار حوزه محیط‌زیست، هم در توئیتی به این نکته اشاره کرده بود که: «معلوم بود دلیل را بوتولیسم اعلام می‌کنند، اما دلیل ایجاد بوتولیسم را کمتر رسانه‌ای می‌کنند؛ خشک‌شدن تالاب به‌دلیل تأمین‌نکردن حقابه تالاب میانکاله.»

عامدانه است؟!

چنین تجربه تلخی در همین بازه زمانی در سال ۹۸ هم اتفاق افتاده بود. آمارها می‌گوید زمستان سال قبل بیش از ۴۳هزار پرنده مهاجر وارد خلیج گرگان و تالاب میانکاله شدند، اما نتیجه این مهاجرت چیزی نبود جز تلف‌شدن بیش از ۴۰هزار پرنده. اتفاقی که سازمان دام‌پزشکی در همان زمان هم علت این فاجعه را سم بوتولیسم دانست. اسماعیل کهرم، پرنده‌شناس، بوم‌شناس و فعال خبره محیط‌زیست، همان زمان درباره این موضوع مصاحبه‌ای با روزنامه همدلی داشت که در آن مسائل دیگری را هم مطرح کرد. کهرم در بخشی از مصاحبه‌اش گفته بود: «درباره ماجرای میانکاله، واقعیت این است که در تالاب سم ریخته‌اند. برای اینکه ما در آن حوالی شکارچی داریم، صیاد ماهی داریم، گله‌دار داریم، گاومیش‌دار داریم، کشاورز داریم و دراین‌میان البته سازمان حفاظت از محیط‌زیست هم داریم. وقتی این‌ها به‌دلایلی با یکدیگر به مشکل می‌خورند و وضعیت پیچیده می‌شود، برخی اوقات بعضی از آنان چنین اقداماتی انجام می‌دهند و در تالاب سم می‌ریزند.» او همچنین به این ماجرا اشاره کرده بود که در سال ۱۳۷۳ و ۱۳۸۲ هم چنین اتفاقی رخ داده است و اخباری مانند بوتولیسم یا هر بیماری دیگری درست نیست. اسماعیل کهرم درباره تولید و اثرگذاری سم بوتولیسم هم گفته بود: «این سم در اثر فاسدشدن گوشت قرمز یا گوشت سفید مانند ماهی به‌وجود می‌آید و یک‌شبه ایجاد نمی‌شود و زمان‌بر است، چطور می‌توان پذیرفت بوتولیسمی که تا الان آنجا نبوده، طی ۲روز ظاهر شده و حدود ۸۰۰۰پرنده را از بین برده است؟» محمد درویش، یکی‌دیگر از کنشگران محیط‌زیست، هم در یادداشتی که برای یکی از مطبوعات نوشته بود، پای فرضیاتی دیگر را مطرح کرده بود از جمله پساب آلوده کارخانه‌ها و پساب اراضی کشاورزی که وارد این منطقه می‌شود.

طرح: علیرضا پاکدل | شهرآرا

Tweets

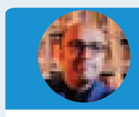

سیاوش صفاریان‌پور | مجری
@s_saffarianpour

هر وقت از برخی رفتار خودم یا دیگری حیرت می کنم، این جمله را به یاد می آورم که «حقیقت عجیب این است که ما حافظه پنهان و ناخودآگاهمان هستیم.»
#زندگی

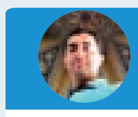

بهنام صمدی | خبرنگار اقتصادی
@behnamsamadi_ir

دیگه خیار فحش نیست بلکه یک تعریفی از شخصیت شماست، چون کالای لوکس به حساب می‌آد.

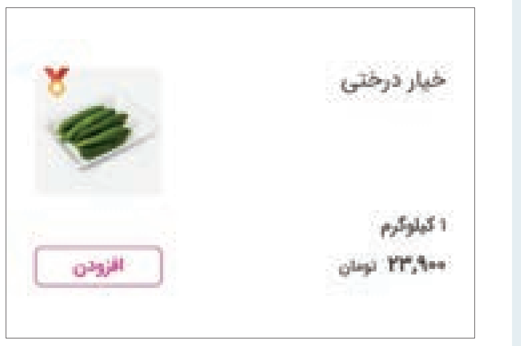

خیار درختی
۱ کیلوگرم
۲۳,۹۰۰ تومان
افزودن

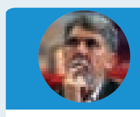

سیدعباس صالحی | وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی
@S_A_Salehi

جامعه هنری کشور، از روزهای نخست کرونا همراه مدافعان سلامت بوده و هست. سخنان و رفتار تعداد انگشت‌شمار را به همگان تعمیم ندهیم.

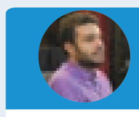

وحید هلالات | تحلیلگر بازار سرمایه
@validhelalat

بسیاری از مطالبات سهام‌داران خرد همان چیزی است که رئیس سازمان بورس نیز پیگیر آن است. رئیس سازمان بورس موظف است از حقوق ۵۰میلیون سهام‌دار دفاع کند. حضور ایشان در جلسات هیئت‌دولت یک ضرورت است.

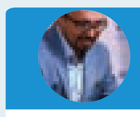

احسان محمدی | فعال حوزه رسانه
@ehsanm92

با همه فساد انکارناپذیر، هیچ عرصه ای در این کشور به اندازه #فوتبال شفاف نیست، پیچ پیچ هایش درز نمی کند، قراردادهایش رو نمی شود و این همه ناظر و پیگیر ندارد. با وجود توقیف #برنامه_۹۰، این برنامه ۱۹سال فوتبال را حلاجی کرد. به کدام عرصه دیگر در کشور اجازه دادند یک ۹۰ داشته باشد؟

لایو پرماجرای سحر

محمدرضا هاشمی

سحر زکریا همیشه با خنده‌های منحصربه‌فردش در خاطره ما یادآوری می‌شود. بسیاری از ما پای سریال‌هایی چون «پاورچین»، «مرد دوهزارچهره» و «قهوه‌تلخ» بارها و بارها خندیده‌ایم. خنده‌هایی که بازی خوب و طنزآلود سحر زکریا نقش مهمی در بروز آن‌ها داشته است. اما حالا ورق برگشته و چند روزی است ویدئوهای پربازدیدی که منبع آن‌ها لایو اینستاگرام خانم زکریاست، در اینستاگرام دست‌به‌دست می‌شود، ویدئوهایی که نشان می‌دهد خبری از آن خنده‌ها نیست و سحر زکریا درحالی‌که اشک می‌ریزد و به‌معنای دقیق کلمه فریاد می‌زند، انتقادهایی را خطاب به دولتمردان کشور بیان می‌کند. او از وضعیت نامساعد اقتصادی می گوید، از نبود برخی داروها در بازار و مهم‌تر از همه واکسن کرونا. زکریا که از مرگ مهرداد میناوند و علی انصاریان سخت ناراحت است، با انتقاد از عملکرد دولت از آن‌ها می‌خواهد از هرکجا که شده است واکسن کرونا تهیه کنند تا نگرانی مردم کمتر شود. میزان هیجان و عصبانیت در این لایو آن‌قدر بالا بود که او در اظهار نظری عجیب دولت قبل را با دولت تدبیر و امید مقایسه می‌کند و می‌گوید رئیس‌جمهور قبلی فرد بهتری بود. بااین‌حال مهم‌ترین مطالبه او خرید واکسن است. این سخنان خانم بازیگر با واکنش‌های زیادی در فضای‌مجازی همراه بود. برخی این واکنش او را حرف دل بسیاری از شهروندان جامعه می‌دانند و برخی دیگر معتقدند که این بهترین بازی خانم زکریا در چند سال گذشته بوده است. در این میان، یکی از روزنامه های نام‌آشنا هم با انتشار مطلبی تلاش کرده است لایو سحر زکریا را در جهت خط‌مشی روزنامه خود استفاده کند. عده‌ای دیگر اما معتقدند که زکریا با این کارش به‌دنبال دیده‌شدن بوده است. برخی مردم هم از عملکرد دولت درباره کرونا دفاع کرده‌اند، یکی از آن‌ها نوشته است: «کی گفته در ایران واکسن دیر خریدن، کشورهای دیگه که مثلا زود خریدن یا خودشون ساختن چرا آمار مرگ‌ومیرشون زیاده؟! شما به آمار مرگ‌ومیر آمریکا، روسیه و انگلیس نگاه کنین.» اما باید دید چه‌چیز باعث شده که سحر زکریا چنین عاجز و درمانده شود؟ اگر بگوییم که او می‌خواسته است با این کار نام خود را بر سر زبان‌ها بیندازد، منصفانه نیست، چون بی‌گمان می‌توانست مثل خیلی‌های دیگر و با استفاده از هزار ترفند، ویدئوهایش را در فضای‌مجازی پربازدید کند. اگر بگوییم حرف‌های او حرف دل مردم جامعه است، بازهم راه را اشتباه رفته‌ایم یا اگر مثل روزنامه‌ای که چند خط بالاتر از آن نوشتیم، بگوییم که این‌ها همان سلبریتی‌هایی هستند که چند سال قبل مردم را تشویق می‌کردند به دولت روحانی رأی دهند و حالا تاب نتیجه‌اش را ندارند، این هم چندان صحیح به نظر نمی‌رسد. آنچه ما می‌دانیم این است که وضعیت خاص کرونایی و ازدست‌دادن هم وطنان بسیاری را اندوهگین کرده است. مردم با مشکلات اقتصادی زیادی دست‌وپنجه نرم می‌کنند. تلاش‌های زیادی برای کنترل بیماری و تهیه واکسن در شرایط تحریم انجام شده است و هر شهروندی حق دارد نظر خود را بیان و از عملکرد مسئولان انتقاد کند. اما شیوه بیان این انتقادها هم اهمیت دارد، به‌ویژه وقتی ما به‌عنوان یک چهره شناخته‌شده و از طریق فضای‌مجازی با مردم سخن می‌گوییم. هرچند هیچ‌کس جای کس دیگری نیست و ما نمی‌دانیم چرا سحر زکریا که سال‌ها باعث آوردن لبخند به خانه‌هایمان بود، این‌گونه آشفته است و همه ناراحتی‌اش را فریاد می‌زند، اما باید به خاطر داشته باشیم که هیچ نقدی در فضای احساسی و هیجانی، نه درست شنیده می‌شود و نه به نتیجه می رسد.

جدول شماره: ۳۱۳۸

طراح: محمدرضا علیزاده

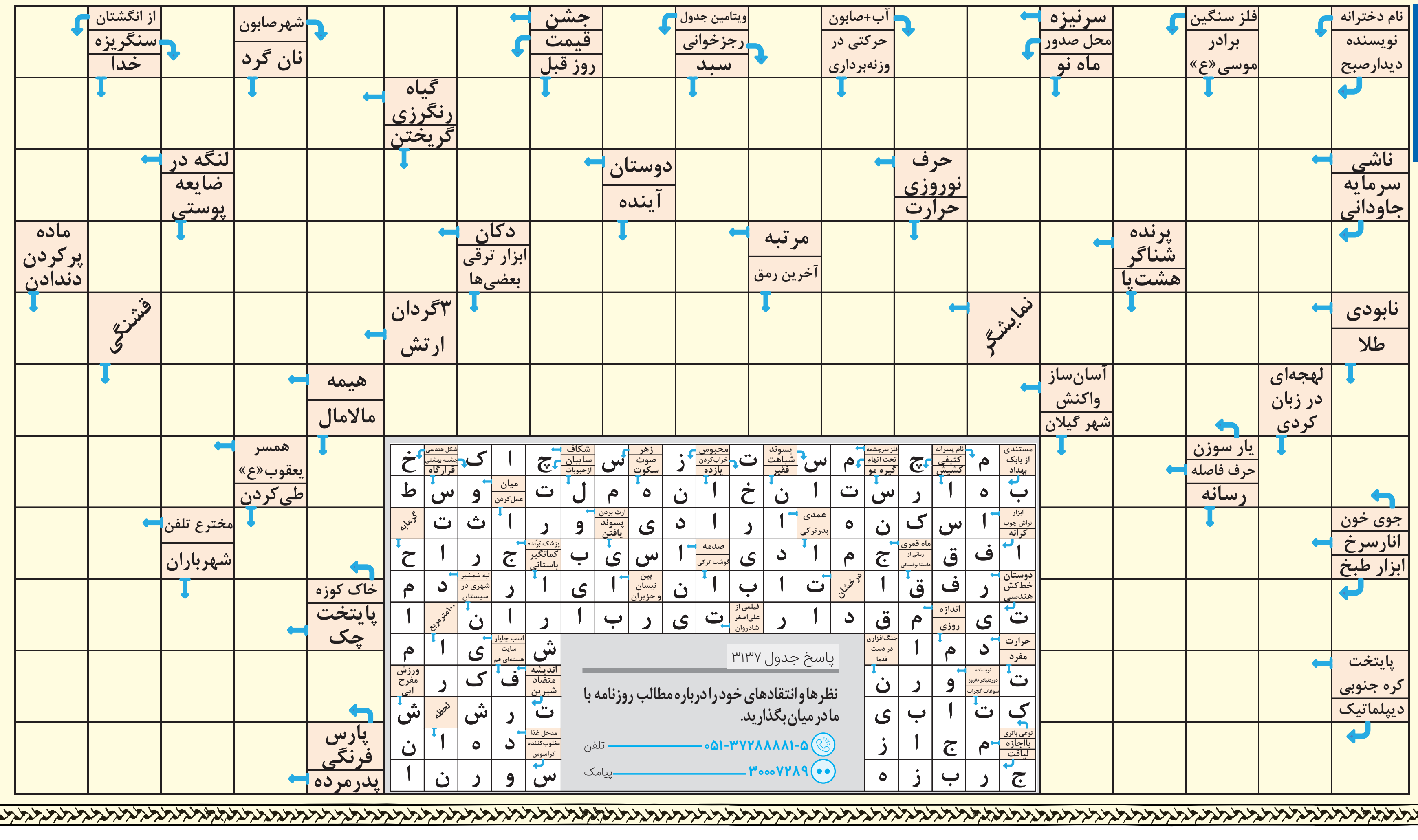

نظرها و انتقادهای خود را درباره مطالب روزنامه با ما در میان بگذارید.

تلفن ۰۵۱-۳۷۲۸۸۸۸۱-۵

پیامک ۳۰۰۰۷۲۸۹

سودوکو

شماره ۳۹

	۲			۴		۸	۵	
۵	۸		۱				۲	۶
۱	۴			۲		۳		
	۳	۲	۶	۷	۸	۱	۴	
	۷		۳	۵				۲
		۸	۲					۳
	۱		۵					۴
		۵		۸		۲		۷
	۹		۷	۶			۱	۸

پاسخ شماره ۳۹